

تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان

دکتر عصمت فاضلی*

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

چکیده

مشاوره عامل مؤثری برای حل بسیاری از مسائل دانشجویان است. در حال حاضر، هر یک از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران دارای یک مرکز مشاوره دانشجویی است که در آن خدمات مشاوره به دانشجویان ارائه می‌شود. هدف اصلی پیمایش مقطعی حاضر بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. الگوی نظری این پژوهش شامل عواملی مانند بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارت‌های اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و شغل‌یابی و رضایت شغلی می‌باشد. فرض بر این است که یاری رساندن به دانشجویان در این زمینه‌ها در حل مسائل تحصیلی و در نهایت، پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر خواهد بود. جامعه آماری این تحقیق مراکز مشاوره دانشجویی بودند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین مراکز مشاوره دانشجویی از نظر دارا بودن فضا و نیروی انسانی متخصص تفاوت چشمگیری وجود دارد؛ ارائه خدمات بعضی از آنها، از نظر اینکه قادر به رفع نیازهای روز افزون دانشجویان باشند، محدود است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که در میان عوامل چهارگانه کلیدی مدل نظری همبستگی وجود دارد. همچنین، نتایج عملیات رگرسیونی و مدل‌سازی معادله ساختاری نشان می‌دهد که مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند در موارد چهارگانه مذکور در مدل نظری به دانشجویان کمک کنند و این امر می‌تواند در حل مسائل آموزشی به پیشرفت تحصیلی مؤثر منجر شود. مهم‌ترین عامل در فرایند ارائه این خدمات، کمک به کسب و ارتقای خود پنداری مثبت در دانشجویان است. با توجه به تأثیر خدمات مراکز مشاوره دانشجویی، تقویت و توجه بیشتر به این نهادهای ارزشمند ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژگان: مراکز مشاوره دانشجویی، پیشرفت تحصیلی، بهبود روابط متقابل در خانواده، آموزش مهارت‌های اجتماعی، ارتقای خودپنداری مثبت، شغل‌یابی و رضایت شغلی.

مقدمه

در حال حاضر، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران (Bishop et al., 1998; Barry, 2002; Lapan et al., 2002; Mayfield et al., 1999) بر این باورند که مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند خدمات یاورانه ارزشمندی به دانشجویان ارائه کنند. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت، حل مسائل شغلی، بهبود روابط متقابل در خانواده^۱ و کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی^۲ از مهم‌ترین این خدمات به شمار می‌آیند. پیشرفت در این زمینه‌ها موجب کاهش و حل مسائل مربوط به دوران تحصیلی دانشجو و در نهایت، باعث پیشرفت تحصیلی وی می‌شود. در واقع، خدمات مراکز مشاوره دانشجویی عامل مهمی در فراهم آوردن فراغت خاطر بیشتر، پیشرفت تحصیلی بهتر و تأمین سعادت آتی مطمئن‌تری برای دانشجویان محسوب می‌شود (رحیمیان، ۱۳۷۷؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸؛ فاضلی، ۱۳۸۱؛ Hodges, 2002). به همین دلیل، گفته می‌شود که رسالت سنگینی بر عهده مراکز مشاوره دانشجویی است. این رسالت با پیچیده‌تر شدن جامعه سنگین‌تر می‌شود، زیرا در چنین شرایطی دانشجویان تحت فشار و استرس بیشتری قرار می‌گیرند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰؛ Borders, 2002; Ghaffarian, 1998; Gilbert, 1992). از نظر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، نقش مشاوران آن قدر اهمیت دارد که برخی از نویسندگان (Green & Keys, 2001; Gysbers,) (2001) آنها را جزء مهمی از نظام آموزشی می‌دانند.

گرچه در حال حاضر اکثر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دارای یک مرکز مشاوره دانشجویی هستند، به نظر می‌رسد که بعضاً این مراکز چندان مورد استقبال دانشجویان قرار نمی‌گیرند یا اینکه فعالیت انجام شده توسط آنها موفقیت‌آمیز نیست. به رغم انتشار گزارش‌هایی از چگونگی فعالیت‌های این مراکز، مطالعات جامع و مبتنی بر چهارچوب نظری در این زمینه به ندرت صورت پذیرفته است. این در حالی است که افزایش تعداد دانشجویان و گرایش آنها به

* پست الکترونیکی: Fazeli@irphe.ir

1. Positive self – esteem or self - concept
2. Interaction
3. Social Skills

مهاجرت از شهرهای کوچک و مکانهای دوردست به شهرهای بزرگ کشور موجب بروز پدیده‌های اجتماعی خاصی شده است که خدمات مشاوره‌ای گسترده‌ای را می‌طلبد. به همین دلیل، بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان از اهمیت فراوانی برخوردار است (ریاضی، ۱۳۷۹؛ سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰). هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان بوده است.

پرسشهای تحقیق حاضر نیز در ارتباط با هدف مورد نظر طراحی شده‌اند. در این خصوص، دو پرسش عمده در چهارچوب نظری پژوهش مطرح می‌شوند. اولین پرسش مبتنی بر آن است که مراکز مشاوره دانشجویی تا چه حد می‌توانند در بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارتهای اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و شغلیابی و رضایت شغلی^۴ به دانشجویان کمک کنند؟ دومین سؤال در صدد کسب اطلاع از این امر است که موارد مزبور تا چه حد در حل مسائل آموزشی منجر به پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثرند؟ پاسخ به این پرسشها می‌تواند مژ تأیید دیگری بر یافته‌های محققان پیشین (Paulson, et al., 1999; Legum & Hoare, 2004; Brigman & Campbell, 2003) بزند.

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی درباره تأثیر مشاوره و روان درمانی در تعدیل مسائل و مشکلات افراد انجام شده است. نتایج به دست آمده از اکثر قریب به اتفاق این مطالعات حاکی از آن است که متقاضیان اثر مشاوره یا روان درمانی را در تعدیل مسائل و مشکلات خویش مثبت و مفید قلمداد می‌کنند (سودانی، ۱۳۷۵؛ شكري، ۱۳۷۵؛ فاضلي، ۱۳۸۱؛ منصور کیانی، ۱۳۷۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۶). چنان که در این خصوص، سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳) در مورد نقش مشاوره در حل مسائل جوانان، از جمله مسائل تحصیلی، می‌نویسد که نتایج پژوهش این سازمان مؤید آن است که مشاوره نقشی پر اهمیت در زندگی جوانان امروزی داشته است و روز به روز بر میزان اهمیت آن افزوده می‌شود.

یکی از جدیدترین تحقیقات مهم در این زمینه، که با عوامل مدل نظری پژوهش حاضر در ارتباط نزدیک است، کار پولسان و همکاران وی (1999) می‌باشد. این پژوهشگران درباره تأثیر مشاوره و روان درمانی در تعدیل مشکلات و مسائل تعدادی از افراد هجده ساله بالا که حداقل یازده بار به مرکز مشاوره یکی از دانشگاههای کانادا مراجعه کرده و در آنجا آموزش دیده بودند، تحقیق کردند. از نظر این افراد مهم‌ترین آثار خدمات یاورانه مشاوره و روان درمانی در آنها عبارت بوده‌اند از: ۱. تسهیل بهبود روابط متقابل در خانواده؛ ۲. کسب یا افزایش مهارتهای اجتماعی؛ ۳. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت و ۴. شغلیابی و رضایت شغلی. بنا به گفته پژوهشگران این تحقیق، یافته‌های آنها با نتایج به دست آمده از کار سایر محققان هماهنگ است. با وجود این، در تعمیم نتایج حاصل شده از این تحقیق باید توجه داشت که جامعه آماری آن فقط یک مرکز بهداشتی دانشگاهی و نمونه آماری آن متشکل از صرفاً تعداد معدودی از مراجعه‌کنندگان بوده است.

مطالعه دیگری که در این زمینه انجام شده، کار کنث و راجر (Kennerth & Roger) است. در این پژوهش تجربی، چگونگی حل مسائل آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در اثر ارائه خدمات مشاوره، در تعدادی از دانشگاههای آمریکا، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مشاوره تأثیر مهمی در کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، افزایش مهارتهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد، رفع مشکلات در این زمینه‌ها حل مسائل را در پی دارد و در نتیجه، موجب ارتقای توانمندی در آموزش می‌شود.

تحقیقی دیگر، بیشتر در ارتباط با تأثیر مشاوره در خود پنداری و شغلیابی، پژوهشی است که به وسیله مشاور شغلی دانشگاه دولتی کلرادو، فیلر (Feller, 2003) انجام گرفته است. این محقق نیز به تأثیر اجتناب‌ناپذیر مشاوره در کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و کشف توانمندی‌های افراد در برنامه‌ریزی برای شغلیابی و رضایت شغلی اذعان دارد. وی با استناد به یافته‌های خویش می‌نویسد: «در نهایت، مشاوران مدارس و برنامه‌های مشاوره آموزشی در اینکه دانش پژوهان را با موفقیت وارد دوره‌های آموزشی بعدی کنند یا آنها را آماده ورود به بازار کار سازند، نقش حیاتی دارند.» فیلر با یاری گرفتن از یافته‌های سایر محققان اضافه می‌کند: «گرچه تغییرات ایجاد شده در مشاغل و بروز دگرگونی در محیط‌کاری نظریه‌ها و توانمندی‌های جدیدی را می‌طلبد، ولی تقویت نهادهای ارزشمند مشاوره دانشجویی ضروری است.»

در ایران، مطالعات پراکنده‌ای در زمینه تأثیر مشاوره در رفع مشکلات دانشجویان انجام گرفته است. علاوه بر این، تحقیقات انجام‌شده معمولاً بر پایه یک چهارچوب نظری نبوده است. برخی از یافته‌های این پژوهشها با یکدیگر همخوانی ندارند و گاهی متضاد یکدیگر نیز هستند. برای نمونه، سودایی (۱۳۷۵) به بررسی اثر مشاوره [فردی و گروهی] در کاهش باورهای غیرمنطقی دانشجویان پسر مجرد رشته‌های دبیری علوم پایه سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ دانشگاه شهید چمران، با تأکید بر روش درمانی عقلانی- عاطفی، پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که مشاوره گروهی بر بعضی از باورهای غیرمنطقی و مشاوره فردی بر بعضی دیگر تأثیرگذار هستند. در حالی که منصورکیانی (۱۳۷۴) در مطالعه تأثیر روشهای مشاوره فردی و گروهی در کاهش میزان اضطراب دانشجویان دختر مقطع کارشناسی سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ دانشگاه تربیت معلم تهران به این نتیجه رسید که هر دو روش در کاهش میزان برخی از اختلالات روانی مانند اضطراب مؤثرند و تفاوت معنی‌داری بین این دو روش مشاهده نمی‌شود. نتایج مشابهی نیز توسط کابلی (۱۳۷۵) در

4. Job – search and Job satisfaction

5. Training

مقایسه اثر روشهای مشاوره فردی و گروهی در افزایش خودپنداری مثبت دانشجویان پسر مجرد رشته‌های فنی و مهندسی سنین ۱۸ تا ۲۴ سال دانشگاه شاهرود، در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴، به دست آمد.

امکان دارد عواملی مانند جامعه آماری متفاوت، جنسیت یا نوع جمع‌آوری اطلاعات موجب دوگانگی یافته‌ها شده باشد. چنان که شکری (۱۳۷۵) نشان داد که رفع مشکلات افرادی که به مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تربیت معلم تهران مراجعه کرده‌اند، به سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد دفعات مراجعه آنان به مرکز و روش مشاوره‌ای به کارگرفته شده توسط مشاور ارائه‌کننده خدمات یاورانه بستگی دارد.

مطالعات دیگری نیز از طریق نظرسنجی توسط برخی از محققان ایرانی (خزائیلی و همکاران، ۱۳۷۴؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸؛ کافو و همکاران، ۱۳۷۳، ۱۳۷۷؛ مولوی، ۱۳۷۷؛ هرمزی، ۱۳۷۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۶) به منظور سنجش سلامت روانی دانشجویان و نیاز آنها به مشاوره در برخی از دانشگاهها انجام گرفته است. نتایج حاصل شده غالباً مشابه و گاهی نیز تا حدودی مغایر بوده است. نکات مشترک در اغلب این نظرسنجی‌ها این است که اولاً بین ۳ تا ۱۲ درصد از پذیرفته‌شدگان دانشگاهها سابقه مشکلات خانوادگی، تحصیلی یا روانی دارند، ثانیاً در آغاز دوره تحصیلی، تفاوت معنی‌داری از نظر ناراحتی عصبی روانی بین دانشجویان بومی و غیربومی نیست، درحالی که پس از چند نیمسال تحصیلی نمره کل آزمون روانی افراد بومی مطلوب‌تر از غیربومی می‌شود و ثالثاً گرچه دختران از نظر وضعیت تحصیلی بهتر از پسران هستند، ولی از نظر سلامت روحی مشکلاتشان بیش از پسران است و به‌همین دلیل، به خدمات یاورانه بیشتری نیاز دارند.

مبانی نظری پژوهش

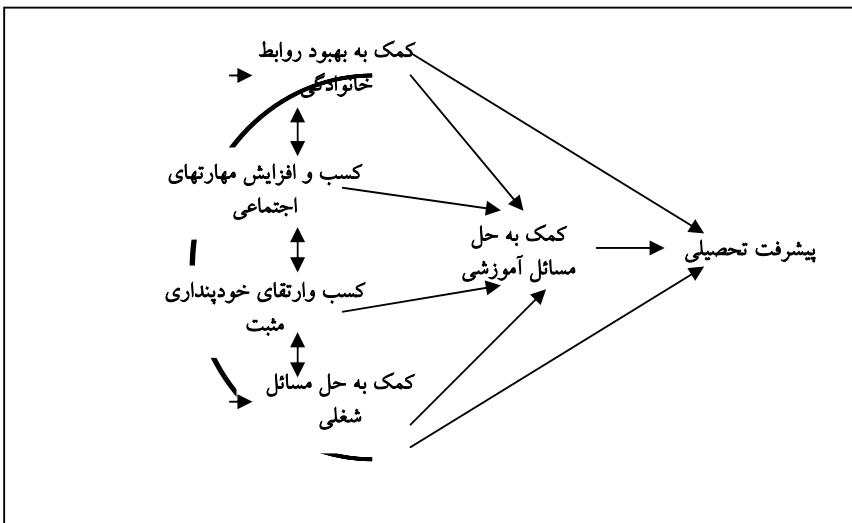
نظریه‌های متعددی [مانند نظریه تحلیل روانی^۱، نظریه‌های روانشناختی فردی^۷، نظریه درمان مشتری - محوری^۸، نظریه درمانی گشتالت^۹ و بالاخره، نظریه درمان عقلانی - عاطفی یا روان درمانی رفتاری - شناختی^{۱۰}] در زمینه مشاوره و روان درمانی ارائه شده‌اند. از آنجایی که نظریه درمان رفتاری - شناختی هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی افراد را در نظر می‌گیرد، کاربرد بیشتری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد (Ellis, 1973). همچنین، امروزه با استناد به مقام و منزلت انسان نظریه مشتری - محوری مورد قبول اکثر صاحب‌نظران است (شفیع آبادی، ۱۳۶۵؛ Patterson, 1986). در اینجا، به دلیل محدودیت نگارش، به شرح مختصر نظریه اول می‌پردازیم.

نظریه درمان رفتاری - شناختی را در سال ۱۹۵۵، آلبرت ایس، متخصص روانشناسی بالینی از دانشگاه کلمبیا، معرفی کرد. وی در شکل‌گیری نظریه خویش از فلسفه انسان‌گرایی^{۱۱} و رفتار درمانی^{۱۲} استفاده کرد. ایس، مشابه آدلر، واکنشهای عاطفی و رفتاری فرد را ناشی از نگرشها و اعتقادات وی می‌داند. او معتقد است که منبع مشکلات شخص امور خارجی و رویدادها نیست، بلکه حاصل برداشت وی از آن امور و رویدادهاست. (Ellis, 1973; Hawton et al., 1993; Viney, 1998) بر اساس این نظریه، وقتی تفکر و رفتار شخص عقلانی است، وی امیدوار، کارآمد و توانمند است.

خدمات یاورانه جهت دار در اکثر موارد می‌تواند به افراد مضطرب کمک کند تا در تفکر انحرافی و رفتار یا عواطف نامناسب خویش تجدید نظر کنند. بدین ترتیب، باور داشت شخص تغییر پیدا می‌کند و منطقی می‌شود که در نتیجه آن افکار وی منطقی یا عقلانی و این امر در نهایت، به سلامت روانی او منتهی می‌شود [۱]. روان درمانگری که اصول درمانی رفتاری - شناختی را به کار می‌گیرد، ضمن برقراری روابط حسنه با فرد و پذیرش غیرمشرروط وی، غیرمنطقی بودن افکار و احساسات نامعقولش را به او متذکر می‌شود و با آموزش باورها و افکار جدید در جریان درمان مداخله می‌کند و به ترغیب و تشویق وی در جایگزین کردن باورها و افکار درست با تفکر و اعتقادات غیرمنطقی و نادرست می‌پردازد [۲] (Gysbers, 2001; Tyler, 1969).

باتوجه به مقبولیت کنونی نظریه روان درمانی رفتاری - شناختی در میان روانشناسان، و تناسب آن با اهداف پژوهش حاضر، چهارچوب نظری تحقیق با استناد به نظریه مذکور طراحی شده است. فرض بر این است که خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی می‌تواند در رفع یا تعدیل مشکلات نظیر مشکلات خانوادگی، اجتماعی، روانی و شغلی دانشجویان تأثیرگذار باشد. همچنین، با کاهش یا رفع این مشکلات، حل مسائل تحصیلی این دانشجویان تسهیل و امکان پیشرفت تحصیلی آنان فراهم می‌شود، همان‌گونه که محققانی نظیر پولسان و همکارانش (Paulson et al., 1999) درباره تأثیر مشاوره و روان درمانی در تعدیل مشکلات و مسائل دانشجویان دریافتند که مهم‌ترین آثار خدمات یاورانه مشاوره و روان درمانی به تسهیل بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا افزایش مهارتهای اجتماعی، کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت و شغلیابی و رضایت شغلی افراد باز می‌گردد و با کاهش یا رفع این مشکلات، حل مسائل تحصیلی این دانشجویان تسهیل و امکان پیشرفت تحصیلی آنان فراهم می‌شود. در واقع، ضمن توجه به پیشینه علمی تحقیق، و دقت در نظریه مورد بحث، الگوی نظری پژوهش نقش مشاوره یا خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترسیم شده است؛ متغیرهای آن متأثر از یافته‌های پولسان و همکاران وی است (تصویر ۱).

6. Psychoanalysis
7. Individual Theories
8. Client - centered Therapy
9. Gestalt Theory
10. Cognitive Behaviour Therapy (CBT)
11. Humanistic philosophy
12. Behaviour Therapy



تصویر ۱- الگوی نظری پژوهش: نقش مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان

روش پژوهش

در این پژوهش، روش پیمایشی مقطعی^{۱۳} به کار گرفته و از مصاحبه، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده و پرسشنامه به‌عنوان ابزارهای تحقیقی استفاده شده است. بخش سوم پرسشنامه - که متناسب با نظریه مورد استناد طراحی شده است - سؤالاتی را برحسب الگوی نظری تحقیق حاضر و متأثر از مجموعه آزمونهای نگرشی رابینسون و همکارانش (Robinson et al., 1991) مطرح می‌سازد. هدف عمده این بخش ارائه تصویر شفاهی از نقش مشاوره در بهبود روابط خانوادگی، تعدیل مسائل اجتماعی از طریق کسب و افزایش مهارت‌های اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، و حل مسائل شغلی [به‌عنوان عوامل عمده روانشناختی مؤثر در حل یا تعدیل مسائل آموزشی و در نتیجه، تسهیل پیشرفت تحصیلی] دانشجویان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دانشجویی بوده است.

در تحقیق حاضر، مشاوران مسئول در مراکز مشاوره دانشجویی و دانشجویانی که حداقل دو بار به مرکز مشاوره دانشگاه محل تحصیل خود مراجعه کرده بودند، به‌عنوان دو گروه مستقل پرسشنامه‌های مخصوص خود را تکمیل کردند. انتخاب نمونه گروه مشاور از جامعه آماری ۱۱۴ موردی از دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی در سراسر کشور، مستخرج از گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری [۳] شارپ (Sharp, 1984) صورت گرفت. اجرای آزمایشی نشان داد که اعتبار صوری^{۱۴} پرسشنامه مناسب و روایی محتوایی نقش مشاوره در تعدیل مسائل خانوادگی، اجتماعی، شغلی و خودپنداری مثبت به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۸۹، ۰/۸۹ هستند که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق محققان است (Barry, 1993; Fazeli, 1998). در مطالعه اصلی پس از حذف اوراق ناقص، داده‌های به دست آمده از پاسخنامه‌های ۸۲ مشاور مسئول و ۵۸۶ دانشجوی مراجعه‌کننده - پس از انجام دادن کارهای اولیه و کدگذاری - وارد نرم‌افزار اسپس اس شد.

یافته‌ها و بحث

در این بررسی، یافته‌های توصیفی^{۱۵} قابل توجهی به دست آمد که به منظور اجتناب از اطالة کلام از بیان کلیه این یافته‌ها خودداری می‌شود. با این وصف، باید یادآور شد که مشاوران مسئول شرکت‌کننده ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن هستند. دامنه^{۱۶} متغیر سنی آنان از کمتر از ۳۰ سال تا بیش از ۴۰ سال در نوسان است. بیش از ۵۱ درصد از این مشاوران مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مشاوره یا روانشناسی، حدود ۹/۸ درصد دانشنامه دکتری تخصصی و بیش از ۲۹ درصد مدرک کارشناسی دارند. قریب ۸۶ درصد از آنان در جمهوری اسلامی ایران و نزدیک به ۱۰ درصد در کشورهای دیگر به تحصیلات عالی پرداخته‌اند.

در زمینه چگونگی مراکز مشاوره دانشجویی، حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان محل خدمت خویش را فعال یا بسیار فعال ارزیابی می‌کنند. قریب به ۱۹/۵ درصد از آنان مرکز مذکور را تا حدودی فعال می‌دانند. تقریباً ۳۹ درصد از این مراکز بین سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ و ۳/۴ درصد بین سالهای ۱۳۶۳ تا تأسیس شده‌اند. وسعت فضای این مراکز از ۱۲ مترمربع تا ۱۷۰۰ مترمربع است و بیش از ۴۵ درصد از آنها دارای یک اتاق هستند. حدود ۱۸ درصد از این مراکز صرفاً دارای یک نفر عضو تمام وقت هستند و اکثریت قریب به اتفاق آنها ارتباط چندانی با سایر واحدهای دانشگاهی ندارند. تعداد دانشجویان مراجعه‌کننده در سال گذشته در ۳۴ درصد از مراکز تا بیست نفر و در ۲۰ درصد از آنها بیش از دویست نفر بوده است.

13. Cross - Sectional Survey
- 14 . Face Validity
- 15 . Descriptive Analyses
- 16 . Range

البته، از آنجایی که تعداد دانشجویان دانشگاهها متفاوت است، لذا محدودیت جمعیتی آنان دلیلی بفعال نبودن مرکز نیست. دانشگاههای واقع در شهرهای بزرگ دارای دانشجویان بیشتری هستند، لذا دانشجویان مراجعه‌کننده آنها نیز نسبت به مراکز آموزش عالی کمجمعیت بیشتر است. به ویژه اینکه تعداد زیادی از دانشجویان این دانشگاهها از شهرهای کوچک و روستاها آمده‌اند که به دلیل دور بودن از خانواده و مواجهه با فرهنگی متفاوت نیاز بیشتری به خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی پیدا می‌کنند. چنان که محققان بسیاری طی بررسی‌های متعدد خویش به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه جوانان، به ویژه دانشجویان، بیش از پیش با مسائل مورد نظر مواجه‌اند، به همین دلیل آنها نیاز مبرمی به استفاده از خدمات یاورانه مراکز مشاوره دارند (Borders, 2002; Green & Keys, 2001).

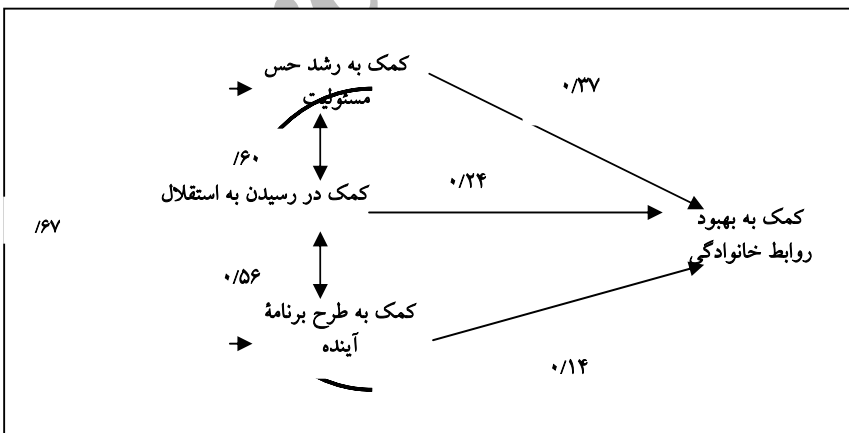
مشاهدات حضوری در برخی از مراکز مشاوره دانشجویی در تهران نشان می‌دهند که مصداق شاخصهای یک مرکز مشاوره [مثل فضای کافی، دور بودن از سر و صدا یا برقرار بودن آرامش و سکوت و مسائلی از این قبیل] که توسط دست‌اندرکاران در این زمینه (ثنایی، ۱۳۷۷، ۱۳۴۹)؛ (Gysbers, 2001; Green & Keys, 2001) توصیه شده، از دانشگاهی به دانشگاه دیگر متفاوت است. چنان که برخی از این مراکز (حدود ۱۹ درصد) خارج از دانشگاه مستقرند و به‌صورت یک نهاد جداگانه، و تحت مدیریت توانمندی، اداره می‌شوند. قریب ۸۱ درصد از این مراکز در داخل دانشگاه در محیط محدودی فعالیت می‌کنند. استقرار این مراکز در دانشگاه و محدودیتهای محیطی آنها نه تنها برخی از شاخصهای مورد نظر را متأثر می‌سازد، که موجب می‌شود دانشجویان رغبت کمتری برای مراجعه به این مراکز از خود نشان دهند، زیرا رفت و آمد به این مراکز در معرض دید همگان، به ویژه سایر دانشجویان، قرار دارد که نوعی نیروی دافعه به حساب می‌آید (Forest, 1989).

در ابتدای محاسبات تحلیلی^{۱۷}، ضریب همبستگی میان متغیرهای کلیدی (چهار عامل نظری) سایر سؤالات مطرح شده در بخش مربوط محاسبه شد. متغیرهایی که با هریک از عوامل اصلی یاد شده دارای ارتباط معنی‌دار و بالایی بودند، با عنوان همان گروه دسته‌بندی شدند. در این محاسبات سه پرسش با کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، چهار سؤال با عامل کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی، شش سؤال با کمک به کسب و ارتقای خویشتن‌پنداری مثبت و سه سؤال با کمک به حل مسائل شغلی دارای ارتباط نزدیک و ضریب همبستگی معنی‌داری بودند. سپس، با توجه به نتایج به دست آمده، چند عملیات رگرسیونی انجام گرفت که در این قسمت خلاصه‌ای از یافته‌های عملیات آماری مزبور بیان می‌شود.

کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده

اولین جزء^{۱۸} از مدل نظری تحقیق حاضر مربوط به کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده (بهبود روابط خانوادگی) بود. این عامل بدو یک متغیر وابسته به حساب می‌آید و سه متغیری که با آن ارتباط معنی‌دار داشتند می‌توانستند در پیش‌بینی‌اش دخیل باشند. نتایج به دست آمده از یک محاسبه رگرسیونی نشان می‌دهد که پیش‌بینی هر سه متغیر مستقل معنی‌دار است. در این عملیات آماری، کمک به رشد حس مسئولیت فرد مراجعه‌کننده با ضریب رگرسیون استاندارد شده‌ای معادل ۰/۳۷ در مقام نخست قرار دارد. کمک به رسیدن به استقلال و برنامه‌ریزی برای آینده، با ضرایب ۰/۲۴ و ۰/۱۴، به‌ترتیب در رجه دوم و سوم اهمیت قرار دارند.

علاوه بر این، روابط متقابل معنی‌داری (از ۰/۵۶ تا ۰/۶۷) نیز بین عوامل پیش‌بینی‌کننده یا متغیرهای مستقل مورد استفاده در این بررسی وجود دارد. معنی‌داری روابط مذکور حاکی از آن است که عوامل مورد نظر در پیش‌بینی بهبود روابط متقابل در خانواده فرد همراه یکدیگر عمل می‌کنند. این یافته‌ها پاسخ مثبتی به بخشی از سؤال اول پژوهش حاضر ارائه می‌کنند و با توصیه‌های برخی از نویسندگانی هماهنگ هستند که از آن به عنوان استفاده از مشاوره برای بهبود «روابط همنشینانه»^{۱۹} (ثنایی، ۱۳۷۷) یاد می‌کنند. در تصویر ۲ خلاصه این ارتباطها نشان داده شده است.



17. Inferential Analyses

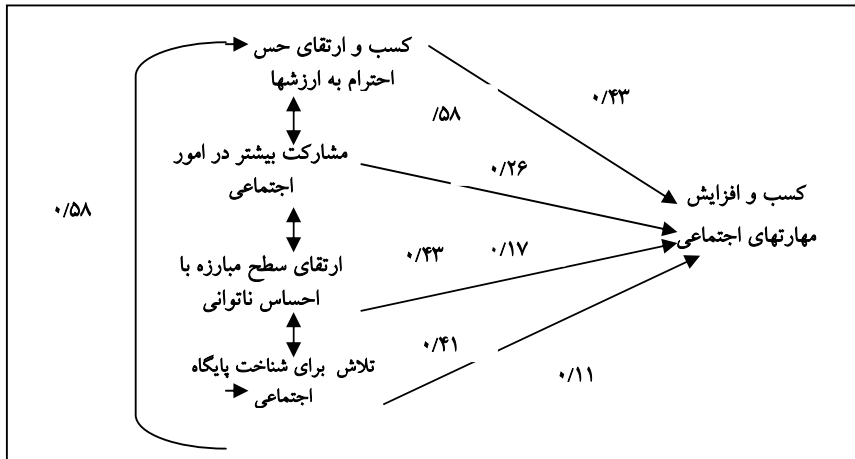
18. Component

19. Interpersonal Relationships

تصویر ۲- روابط بین متغیر ارتقا یا بهبود روابط خانوادگی و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کسب و افزایش مهارت‌های اجتماعی

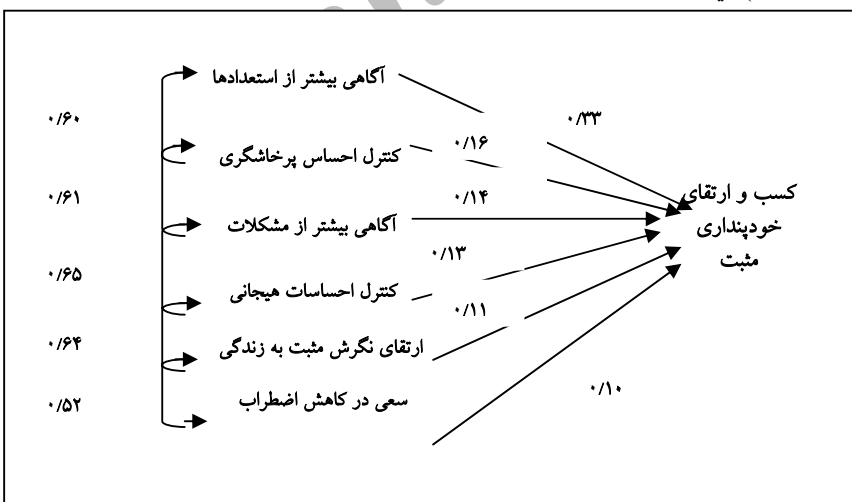
همان گونه که در مباحث پیشین بیان شد، چهار متغیر مستقل اولیه در پیش‌بینی عامل کمک مشاور به کسب و افزایش مهارت‌های اجتماعی شرکت داشتند. حاصل محاسبات معادله رگرسیونی دیگری گویای این امر است که هرچهار عامل بدوی در پیش‌بینی متغیر وابسته مورد نظر معنی‌دار هستند. با این وصف، بهترین پیش‌بینی‌کننده ترغیب فرد به احترام به ارزش‌های اجتماعی موجود با ضریب رگرسیونی استانداردش ده‌ای 0.26 معادل 0.43 است. دومین پیش‌بینی‌کننده با ضریب رگرسیون 0.26 کمک به فرد به منظور مشارکت بیشتر در امور اجتماعی و فرهنگی است. ارتقای سطح مبارزه با احساس ناتوانی در مقابل مسائل اجتماعی و کمک به شناخت پایگاه اجتماعی - اقتصادی خویش به ترتیب در سومین و چهارمین مرتبه پیش‌بینی قرار گرفته‌اند. در تصویر ۳ خلاصه‌ای از این ارتباطها نشان داده شده است.



تصویر ۳- روابط بین متغیر ارتقای مهارت‌های اجتماعی و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت

ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر شش عامل پیش‌بینی کننده اولیه کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت دانشجویان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دانشجویی، به‌عنوان سومین عامل تشکیل‌دهنده مدل نظری طرح تحقیقاتی حاضر، معنی‌دار است. آگاهی بیشتر از استعدادها دارای ضریب رگرسیونی استاندارد شده‌ای برابر با 0.33 ، کنترل احساس پرخاشگری معادل 0.16 ، آگاهی بیشتر از مشکلات عمیق‌تر مساوی 0.14 و سعی در کنترل احساسات هیجانی با ضریبی معادل 0.13 به‌ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم قرار گرفته‌اند. دو عامل دیگر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مشابه یافته‌های پیشین، این نتیجه نیز در صدد یافتن پاسخی مثبت به بخشی از سوال اول تحقیق حاضر است و به تأیید یافته‌های سایر محققان (Paulson et al., 1999; Viney, 1998) می‌پردازد. در تصویر ۴ این ارتباطها نشان داده شده است.

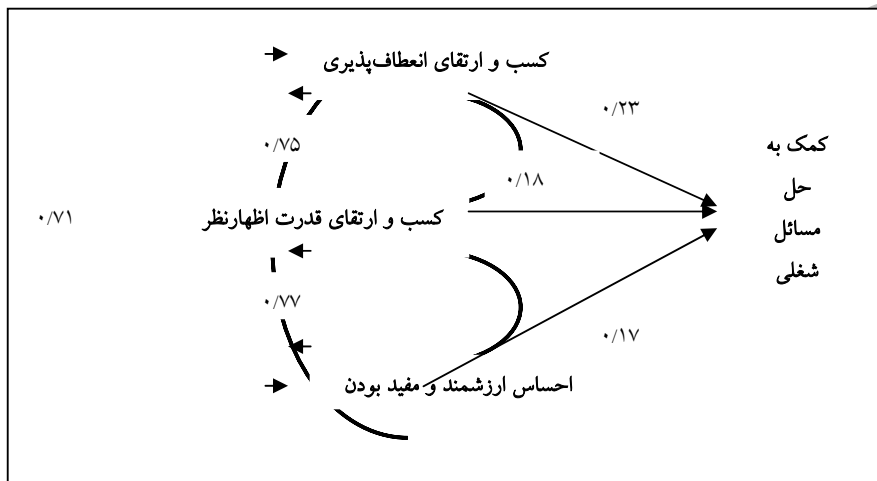


تصویر ۴- روابط بین کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی

کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی، به‌عنوان آخرین عامل مدل نظری تحقیق حاضر نیز در بدو امر، خود متأثر از سه عامل پیش‌بینی‌کننده دیگر بود. یافته‌های محاسبات تحلیلی نشان می‌دهند که ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر سه عامل معنی‌دار است. با وجود این، ضریب کسب و ارتقای انعطاف‌پذیری برابر با $0/23$ ، کسب و ارتقای قدرت اظهار نظر معادل $0/18$ و احساس ارزشمند و مفید بودن از نظر فعالیت اجتماعی مساوی با $0/17$ است. محاسبه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل مورد استفاده با ضرایب بالایی در ارتباطاند. جزئیات بیشتر در تصویر ۵ نشان داده شده است.

با به دست آمدن این یافته‌ها، پاسخ سؤال شماره ۱ پژوهش داده شد. این نتایج مثبت و قابل توجه مؤید یافته‌ها و توصیه‌های سایر محققان، صاحب‌نظران و نویسندگان در این زمینه‌اند. چنان که با توجه به این واقعیت‌هاست که براون (Brown, 2003) و شفیع‌آبادی (۱۳۸۱) به بحث در اطراف اهمیت مشاوره شغلی می‌پردازند و هدف اصلی آن را کمک به حل مشکلات شغلی به منظور افزایش رضایت و کارآمدی فرد معرفی می‌کنند. به همین ترتیب، صاحب کتاب آزمونهای روانی (براهنی، ۱۳۶۴) بخش مهمی از تستهای روانشناختی خود را به آزمونهای شغلی اختصاص داده است.



تصویر ۵- روابط بین کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن

محاسبات تکمیلی داده‌ها

در محاسبات تکمیلی داده‌ها چهار عاملی که قبلاً مورد مطالعه قرار گرفته بودند، این بار به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده یا مستقل، متغیر کمک به حل مسائل آموزشی به منزله یک متغیر واسطه و متغیر پیشرفت تحصیلی به نام متغیر وابسته وارد مدل سازی معادله ساختاری^{۲۱}، از طریق نرم‌افزار لیزرل^{۲۲}، شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که کل تغییرات تبیین شده در این محاسبه برابر $0/34$ است. تبیین این میزان از متغیرها حاکی از آن است که مدل طراحی شده دارای نیکویی برازش^{۲۳} لازم و از توان پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. همچنین، در این محاسبه، نیکویی برازش استاندارد شده مساوی یک است و خی دو محاسبه شده معنی‌دار نیست؛ این خصوصیات یافته‌ها نیز مؤید نیکویی برازش و توان پیش‌بینی مطلوب است (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷).

در این محاسبات رابطه کلیه عوامل پیش‌بینی‌کننده - بجز یک مورد - با عامل واسطه‌ای حل مسائل آموزشی و متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی، اعم از رابطه مستقیم یا غیرمستقیم، معنی‌دار هستند. در واقع، مجموع این عوامل پیش‌بینی‌کننده با ضریب مطلوبی قدرت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند. همچنین، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در محاسبه کلی، کمک به حل مسائل تحصیلی می‌تواند در رفع مشکلات دانشجویان مؤثر واقع شود و از این طریق پیشرفت تحصیلی آنان را تسهیل کند (رحیمیان، ۱۳۷۷؛ رضازاده، ۱۳۷۸؛ Hodges, 2001; Gysbers, 2001; Green & Keys, 2002). با این حال، در اینجا عامل کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، در پیش‌بینی حل مسائل آموزشی، در مقابل پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری مانند کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، مساعدت به ایجاد و افزایش مهارت‌های اجتماعی یا کمک به حل مسائل شغلی کمرنگ شده است.

21. Structural Equation Modeling (SEM)

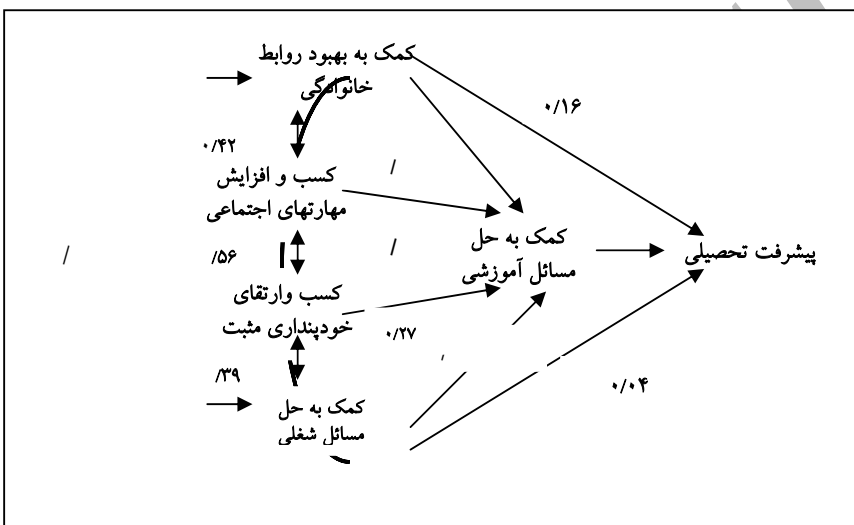
22. Lisrel

23. Goodness of fit

به منظور بررسی بیشتر قدرت عامل کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، این عامل به عنوان یک پیش‌بینی کننده حل مسائل آموزشی وارد یک معادله رگرسیونی شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که عامل مذکور در صورت عدم حضور پیش‌بینی کننده‌های قوی‌تر، از توانایی لازم برخوردار است و برحسب خلاصه این یافته‌ها ضریب رگرسیونی استاندارد شده معادل $t = 10.476$ ، $p < /0.001$ هستند.

موضوع قابل توجه دیگر منفی بودن ارتباط مستقیم عوامل کمک به حل مسائل شغلی و کمک به بهبود روابط خانوادگی با پیشرفت تحصیلی است. وجود چنین حالتی بدین معنی است که اولاً اشتغال به شغلی به علت صرف وقت دانشجو و اشتغال فکری اضافی وی می‌تواند امور تحصیلی او را متأثر سازد. علاوه بر این، وقتی دانشجویی بیش از حد در فکر مسائل خانوادگی خود باشد، کمتر فرصت مطالعه کافی را به دست می‌آورد.

کلیه محاسبات انجام شده، بجز ارتباط بین کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده و حل مسائل تحصیلی، با خطای ۵ درصد دارای t معنی‌دار (بالای رقم ۲) هستند. بالاترین این ارزش‌های محاسباتی ($t = 6.07$) متعلق به رابطه بین کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و کمک به حل مسائل آموزشی است. محاسبات ضریب همبستگی پیرسون در معادله ساختاری نشان می‌دهد که کلیه عوامل پیش‌بینی کننده به شکل معنی‌دار و با ضریب نسبتاً بالایی با یکدیگر در ارتباط هستند. بالاترین این ضرایب (۰/۵۶) بین عوامل کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و افزایش مهارت‌های اجتماعی است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که عوامل مشخص شده در مدل نظری می‌توانند در حل مسائل آموزشی منجر به پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر واقع شوند. این پاسخ مثبتی به سؤال شماره ۲ پژوهش حاضر است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳؛ شفیع آبادی، ۱۳۸۱). در تصویر ۶ ارتباطها و ضرایب به دست آمده از محاسبات تکمیلی نشان داده شده است.



تصویر ۶- روابط متقابل میان عوامل پیش‌بینی کننده و واسطه در حل مسائل دانشجویان

شایان ذکر است که ارتباط مثبت قوی بین این دو عامل و افزایش مهارت‌های اجتماعی و فعالیت‌های شغلی در اثر حمایت خود پنداری مثبت، مورد تأیید روانشناسان و متخصصان امور اجتماعی قرار گرفته است. چنان که نظریه پردازانی مانند هلند (Holland, 1966, 1997) از خود پنداری مثبت به عنوان «احساس خود کارآمدی» یاد می‌کنند و آن را از مهم‌ترین عواملی می‌دانند که سازگاری اجتماعی، هماهنگی با افراد جامعه و موفقیت در وظایف محول شده را در عمل تبیین می‌کنند و نتایج تحقیقاتی پژوهشگرانی مانند فاضلی (۱۳۸۰) مهر تأیید مجددی بر کار نظریه پردازان مورد نظر می‌زند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی پاسخ مثبتی به پرسش‌های پژوهشی مطرح شده است. چنان‌که این یافته‌ها نشان می‌دهند، مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند در موارد چهارگانه مذکور در مدل نظری به دانشجویان مراجعه کننده به مراکز مشاوره کمک کنند و این مساعدت می‌تواند در حل مسائل آموزشی به پیشرفت تحصیلی مؤثر منجر شود. نتایج به دست آمده از محاسبات تکمیلی نه تنها مؤید یافته‌های تجزیه و تحلیل‌های بدوی پژوهش حاضر هستند، بلکه با یافته‌های تحقیقات بسیاری از پژوهشگران دیگر (Feller, 2003; Kenneth et al., 2002; Little, 2001; Paisley & McMahon, 2001; Legum & Hoare, 2004) نیز همخوانی و هماهنگی دارند. به ویژه اینکه دستاوردهای مذکور نتایج به دست آمده توسط پولسان و همکارانش (1999) را تأیید می‌کنند. بدین ترتیب، این مراکز با ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط مشاوران و

روان درمانگرهای توانمند و باتجربه می‌توانند در بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارت‌های اجتماعی، کسب و افزایش خودپنداری مثبت و حل یا تعدیل مسائل شغلی دانشجویان نقش ارزنده‌ای را ایفا کنند. مهم‌ترین عامل مؤثر در فرایند ارائه این خدمات، کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت در دانشجویان مراجعه کننده است. البته، یادآوری این نکته لازم است که بیش از ۴۵ درصد از مراکز مشاوره دانشجویی دارای یک اتاق و حدود ۱۸ درصد از آنها صرفاً دارای یک نفر عضو تمام وقت است. همچنین، قریب ۸۱ درصد از این مراکز در داخل دانشگاه در محیط محدودی فعالیت می‌کنند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق آنها ارتباط چندانی با سایر واحدهای دانشگاهی ندارند. لذا تقویت و توجه بیشتر به این نهادها ارزشمند ضروری به نظر می‌رسد.

یادداشتها

[۱] باورداشت منطقی == < نتایج منطقی == < شخصیت سالم؛ باورداشت غیرمنطقی == < نتایج غیرمنطقی == < اختلال شخصیت

[۲] این نظریه را نظریه عقلانی - عاطفی (Rational - emotional) نیز می‌نامند.

$$n = \frac{pqt^{2n}}{Nd2 + pq^{12}} \quad [۳]$$

منابع

الف. فارسی

۱. برهنی، محمد تقی (۱۳۶۴، مترجم)؛ **آزمونهای روانی**؛ نوشته الف. آناستازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ثنایی، باقر (۱۳۴۹، مترجم)؛ **مشاوره**؛ نوشته جوزف پرز، تهران: ناصر خسرو، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
۳. ثنایی، باقر (۱۳۷۷، مترجم)؛ **روان درمانی و مشاوره**؛ تهران: انتشارات چهر، ص. ۷۵.
۴. خزانلی، مهناز، مریم رسولیان و عیسی کریمی (۱۳۷۴)؛ **بررسی سلامت روانی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران**؛ خلاصه مقالات سومین سمپوزیوم سراسری استرس، ص. ۲.
۵. رحیمیان، حوریه بانو (۱۳۷۷)؛ **نظریه‌ها و روشهای مشاوره و روان درمانی**؛ تهران: انتشارات مهرداد.
۶. رضازاده، سیدمحمدرضا و صدیقه یگانه (۱۳۷۸)؛ **بررسی وضعیت تحصیلی، خانوادگی و سلامت روانی دانشجویان کارشناسی ورودی ۱۳۷۶**؛ دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دفتر مشاوره دانشجویی.
۷. ریاضی، ابوالحسن (۱۳۷۹)؛ گزارش بیست و پنجمین گردهمایی معاونان فرهنگی و دانشجویی و سومین گردهمایی تخصصی مدیران فرهنگی دانشگاههای سراسر کشور؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۲۲-۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۹.
۸. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)؛ **نقش «مشاور» در دنیای متغیر جوانان امروز (وضعیت موجود)**؛ سازماندهی مراکز خدمات مشاوره‌ای؛ ص. ۳. <http://www.nyoir.org/conferencecenter/part1/section3.asp>
۹. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)؛ **ویژه‌نامه سومین همایش ملی سازماندهی خدمات مشاوره‌ای در کشور**؛ تهران: دبیرخانه شورای هماهنگی مراکز خدمات مشاوره‌ای، صص. ۱۰-۹.
۱۰. سودایی، منصور (۱۳۷۵)؛ **مقایسه اثر روش‌های مشاوره فردی و گروهی**؛ با تأکید بر روش عقلانی - عاطفی در کاهش باورهای غیرمنطقی دانشجویان پسر مجرد رشته‌های دبیری علوم پایه سنین ۱۸ تا ۲۴ دانشگاه شهید چمران در سال تحصیلی ۷۴-۷۵.
۱۱. شفیع آبادی، عبدا... (۱۳۸۱)؛ **راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل**؛ تهران: انتشارات رشد، چاپ دوازدهم.
۱۲. شفیع آبادی، عبدا... و غلامرضا ناصری (۱۳۶۵)؛ **نظریه‌های مشاوره و روان درمانی**؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. شکری، افسون (۱۳۷۵)؛ **بررسی رابطه مشکلات مراجعان به مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تربیت معلم تهران**؛ با سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد دفعات مراجعه به مرکز توسط مراجعان و روش مشاوره‌ای به کارگرفته شده در مرکز مشاوره توسط مشاور؛ رساله کارشناسی ارشد.
۱۴. فاضلی، ع. (۱۳۸۰)؛ **سازگاری شغلی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی**؛ گزارش تحقیقاتی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۵. فاضلی، ع. (۱۳۸۱)؛ **وضعیت موجود مراکز مشاوره دانشجویی و تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان**؛ گزارش تحقیقاتی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۶. قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۷۷)؛ «روش‌های لیزرل و ساختار آنها»؛ **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**؛ شماره ۱۶۹، صص. ۷۶-۴۳.
۱۷. کابلی، مجید (۱۳۷۵)؛ **مقایسه اثر روش‌های مشاوره فردی و گروهی**؛ با تأکید بر روش مراجعه محوری در افزایش خودپنداری دانشجویان پسر مجرد رشته‌های فنی و مهندسی سنین ۱۸ تا ۲۴ دانشگاه شاهرود در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴، رساله کارشناسی ارشد از دانشگاه شاهرود.

۱۸. کافي، بوالهري و پيروي (۱۳۷۷)؛ خلاصه گزارش طرح پژوهشي مقايسه وضع تحصيلي و سلامت رواني گروهی ازدانشجویان دانشگاه تهران: دربدو ورود و پس از سه سال؛ حوزه معاونت، مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران.
۱۹. کافي، بوالهري و پيروي (۱۳۷۳)؛ بررسی وضع تحصيلي و سلامت رواني دانشجویان؛ واحد پژوهش دفتر مشاوره دانشجویی، دفتر مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران.
۲۰. منصورکیانی، پریدخت (۱۳۷۴)؛ بررسی و مقایسه تأثیر روش های مشاوره فردي و گروهی: درکاهش میزان اضطراب دانشجویان دختر مقطع کارشناسی سال تحصيلي ۱۳۷۵-۱۳۷۴، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۱. مولوي، حسين (۱۳۷۷)؛ «بررسی اعتبار پرسشنامه ارزیابی خود در رابطه با گرایش به روان پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک»؛ فصلنامه اندیشه و رفتار، سال سوم، شماره ۴، صص. ۸۲ - ۷۶.
۲۲. هرمزي، محمود (۱۳۷۶)؛ بررسی عوامل مؤثر برافت تحصيلي دانشجویان دانشگاه پیام نور (آموزش از راه دور)؛ چکیده پایان نامه های ایران، دوره ۵، شماره ۲.
۲۳. یعقوبی، حمید (۱۳۷۶)؛ بررسی وضعیت سلامت رواني دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان (۱۳۷۵-۷۶)؛ گزارش طرح پژوهشي معاونت امور فرهنگی ودانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

ب. لاتین

- Barry, M.M. (1993); **Changing Public Attitudes Towards Psychologists**; Dissertation, Wollongony University.
- Bishop, J.B., K.W. Bauer & E.T. Becker (1998); "A Study of Counseling Needs of Male and Female College Students"; **Journal of College Students Development**, 39, pp. 205 – 210.
- Borders, L.D. (2002); "School Counseling in the 21st century: Personal and Professional Reflections"; **Professional School Counseling**, Vol. 5 (3), pp. 180-186.
- Brigman, G. & C. Campbell (2003); "Helping Students Improve Academic Achievement and School Success Behavior"; **Professional school Counselling**, Vol. 7 (2) pp. 91-98
- Brown, D. (2003); **Career Information, Career Conseling and Career Development**; Boston: Pearson Education, Inc.
- Ellis, Albert (1973); **Humanistic Psychotherapy: The Rational – emotive Approach**; New York: the Jugian Press Inc.
- Fazeli, E. (1998); **Psychosocial Predictors of Substance Use: Among Young People in two Cultures**; Australia: Wollongong University.
- Feller, R. W. (2003); "Aligning School Counseling, the Changing Workplace and Career Development Assumptions"; **Professional School Counseling**, Vol. 6 (4).
- Forest, L. (1989); "Guiding, "Supporting and Advising Students"; The Counselor Role, In U. Delworth & G. R. Hanson (Eds). Student services. **A Handbook for the Helping Professors**; Sanfrancisco: Jossey – Bass, pp. 265-283.
- Ghaffarian, Shireen (1998); "The Oacculturation of Iranian Immigrants in the United States and the Implications of Mental Health"; **The Journal of Social Psychology**, Vol. 38(5).
- Gilbert, S.P. (1992); "Ethical Issues in the Treatment of Severe Psychopathology in University and College Counseling Centers"; **Journal of Counseling and Development**, 70, pp. 695-700, 645-654.
- Green, A. & S.G. Keys (2001); "Expanding the Developmental School Counseling Program: Meeting the Needs of the 21st Century Student"; **Profesional School Counseling**, 5, pp. 98-95.
- Gysbers, N.C. (2001); "School Guidance and Counseling in the 21st Century: Remember the Past into the Future"; **Professional school Counseling**, 5, pp. 96-105.
- Hawton, K., P.M. I. salkovskis, Kirk & D.M. Clark, (1993); **Cognitive Behaviour Therapy for Psychiatric Problems: A practical guide**; UK: Oxford University Press.

15. Hodges, S. (2002); "University Counseling Centers at the Twenty – first Century: Looking Forward, Looking back"; **Journal of College Counseling**, Vol. 4(2), pp. 161-174.
16. Holland, J.L. (1966); **The Psychology of Vocational Choice**; Waltham, Massachusetts: Blaisdell Publishing Company, pp. 1-135.
17. Holland, J. L. (1997); **Making Vocational Choices: A Theory of Vocational Personalities and Work Environment**; Third Edition, Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
18. Jackson, S.W. (1999); **Care of Psyche: A History of Psychological Healing**; USA: Yale University Press, pp. 16-33.
19. Kenneth, M. Coll & A. Stewart Roger, (2002); "Collaboration Between Counseling Services and Academic Program: An Exploratory Study of Student Outcome"; **Journal of College Counseling**, Vol. 5 (2), pp. 135- 142.
20. Lapan, R.T., C.A. Kardash et al. (2002); "Empowering Students to Become Self-regulated Learners"; **Professional School Counseling**, Vol. 5 (4), pp. 257-266.
21. Legum, H. L. & C. H. Hoare (2004); "Impact of a Career Intervention on at - Risk Middle School Students' Career Maturity Levels, Academic Achievement, and Self-esteem"; **Professional School Counseling**, 8, No. 2, pp. 148-155
22. Legum, H.L. & C.H. Hoare (2004); "Impact of a Career Intervention on at Risk Middle School Students' Career Maturity Levels, Academic Achievement and Self- esteem"; **Professional School Counseling**, 8, No.2, pp. 148-155.
23. Littrel, J.M. (2001); "Transforming Counseling Theory and Practice". **Journal of Counseling and Development**, Vol. 79, pp. 105-118.
24. Mayfield, W.A., C.A.M. Kardash & D.M. Kinlignhan (1999); "Differences in Experienced and Novice Counselors' Knowledge Structures about Clients: Implications for Case Conceptualization"; **Journal of Counseling and Psychology**, Vol. 46 (4) pp. 504-514.
25. Paisley, P.O. & H.G. McMahon (2001); "School Counseling for the Twenty–first Century, Challenges and Opportunities"; **Professional School Counseling**, Vol. 5, pp. 106-115.
26. Patterson, C.H. (1986); **Theories of Counseling and Psychotherapy**; New York: Harper & Row Publishers.
27. Paulson, B.L., D. Truscott & J. Stuart (1999); "Clients' Perceptions of Helpful Experiences in Counseling"; **Journal of Counseling and Psychology**; Vol. 46 (3), pp. 317-324.
28. Robinson, J.P., P.R. Shaver & L.S. Wrightsman (1991); **Measures of Personality and Social Psychological Attitudes**; New York: Academic Press INC, pp. 127-131, 344-347.
29. Sharp, V. (1984); **Statistics for Social Sciences**; Boston: Little Brown and Company.
30. Tyler, L. (1969); **The work of the Counselor**; Third Edition, New York: Appleton – Century – Crofts, (1973) Osipow.
31. Viney, L. (1998); **Personal Construct Therapy: Psychotherapy: A Handbook**; Wollongong University Press.